

دو فصلنامه علمی - تخصصی علامه

سال یازدهم - شماره پیاپی ۳۱

بهار و تابستان ۹۰

پیشنهادی در تصحیح بیت آغازین قصیده داغگاه فرخی*

محمود امیدسالار**

چکیده

در مقاله حاضر، قصیده داغگاه فرخی سیستانی با مطلع:

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار
پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار
از جهت ضبط‌های گوناگون آن مورد بررسی قرار گرفته است و نویسنده با توجه به ضبط نسخه‌های کهن‌تری همچون نسخه‌ای از ترجمان البلاغه رادویانی و بنا بر «قاعده ضبط دشوارتر» در علم تصحیح، صورت ذیل را برای بیت مذکور، پیشنهاد می‌کند:

تا پرند بیدگون بر روی پوشد مرغزار
پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار

واژگان کلیدی: فرخی سیستانی، قصیده داغگاه، ترجمان البلاغه، قاعده ضبط دشوارتر.

* تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۱۰

momidsa@calstatela.edu

** کتابخانه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا - لس آنجلس

مقدمه

کسانی که با ادبیات فارسی آشنایی دارند، می‌دانند که مرحوم استاد مرتضوی حق بزرگی بر گردن علاقه‌مندان به ادب فارسی دارد. بخش مهمی از اثر نفیس آن استاد، یعنی کتاب *مسائل عصر ایلیخانان* با اینکه موضوع آن تاریخ است، به بررسی مقلدان شاهنامه در دوران سیادت مغولان و تیموریان اختصاص یافته است (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۵۴۷ - ۶۲۴). علاوه بر این، به نظر فقیر کتاب کوچکی که آن استاد در باب فردوسی و شاهنامه نوشته است نیز علی‌رغم خلاصه بودنش از منابع بسیار مهم شاهنامه‌شناسی به شمار می‌رود (مرتضوی، ۱۳۷۲). بنده از بی‌طرفی و دقت آن مرحوم بسیار سود برده‌ام و این مختصر را به‌مثابه ران ملخی و عرصه سلیمانی، به روان آن استاد فقید تقدیم می‌دارم.

چنان‌که می‌دانید، از دواوین شعرای غزنویه نسخ قدیمی در دست نیست. مثلاً اقدام نسخ *دیوان فرخی* در سال ۱۰۶۷ ق به دست تقی‌الدین محمدالحسینی کتابت شده است. دست‌نویس‌هایی هم که در کتابخانه مجلس شورای ملی از دیوان این شاعر موجود است، همه از دوره صفوی جدیدتر هستند. به همین قیاس قدیم‌ترین نسخه *دیوان عنصری* هم از همین دوران یا سپس‌تر است. البته این کمبود منحصر به دواوین شعرای غزنویه نیست. مثلاً از *تاریخ بیهقی* هم نه نسخه‌های قدیمی در دست است و نه هیچ دست‌نویسی که بخش اول کتاب، یعنی بخش مربوط به تاریخ سلطان غازی محمودبن سبکتکین، را شامل باشد، تا کنون کشف شده است. بنابراین هرگاه از سروده‌های شعرای این دوران در تذکره‌های قدیمی یا کتب دیگر چیزی نقل شده باشد باید به متن آن توجه کرد زیرا در قیاس با نسخ شناخته‌شده دیوان آنها، این منقولات معمولاً قدیم‌تر و یحتمل صحیح‌ترند.

درین مختصر بنده متن چند بیت آغازین قصیده داغگاه فرخی سیستانی را که از شیواترین اشعار زبان فارسی است، با توجه به بیتی که از آن قصیده در ترجمان‌البلاغه رادویانی، کتابت سال ۵۰۷ هجری قمری نقل شده است، بررسی خواهد کرد. علت توجه به ضبط مطلع قصیده در ترجمان‌البلاغه این است که متن منقول در آن کتاب بیش از پانصد سال از متنی که در اقدم نسخ دیوان به ما رسیده است، قدیم‌تر است. البته باید توجه داشت که قدمت به تنهایی دلیل بر صحت نیست و نباید چنین انگاشت که همیشه متون قدیمی‌تر متن صحیح‌تری را ارائه می‌کند. به عبارت دیگر اعتبار متن همیشه پیرو قدمت نسخه نیست و به شواهد سبک‌شناسی، شجره‌نسب دست‌نویس، و دلایل زبان‌شناسی نیز مرتبط است. اما درعین حال می‌دانیم که در اکثر مواردی که تا به حال دیده‌ایم، دست‌نویس‌های قدیمی‌تر معمولاً اعتبار بیشتری هم دارند و بنابراین تاریخ کتابت یک دست‌نویس راهنمای معقولی بر میزان اعتبار آن هم هست و در مورد دست‌نویس‌های کهن، مصححین باید هم احتیاط کنند و کهن بودن دست‌نویس را با اعتبار آن اشتباه نکنند، و هم به بررسی جامع آن پردازند تا بتوانند در مورد اعتبار نسبی آن تصمیم معقولی بگیرند. با توجه به این مقدمات، می‌پردازیم به بررسی قصیده فرخی. البته قصیده داغگاه فرخی معروف‌تر از آن است که حاجت به معرفی داشته باشد. اما برای اینکه عرایض مفهوم افتد چند بیت آغازین این قصیده را چنان‌که در دیوان فرخی به تصحیح استاد دبیرسیاقی آمده است، نقل می‌کنم:

در صفت داغگاه امیر ابوالمظفر فخرالدوله احمدبن محمد والی چغانیان

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار پرنیان هفت‌رنگ اندر سر آرد کوهسار
 خاک را چون ناف آهو مشک زاید بی‌قیاس بید را چون پرّ طوطی برگ روید بی‌شمار
 دوش وقت نیم‌شب بوی بهار آورد باد حبّذا باد شمال و خرّما بوی بهار
 باد گویی مشک سوده دارد اندر آستین باغ گویی لعبتان ساده دارد در کنار
 (فرخی، ۱۳۶۳: ۱۷۵ - ۱۷۶)

بیت اول این قصیده در ترجمان/البلاغه بدین صورت ضبط شده است:

چون پرند بیدگون بر روی پوشد مرغزار پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار

(رادویانی، ۱۳۶۲: ۱۹۳ عکسی)

یکی از نسخ دیوان فرخی در کتابخانه مجلس، یعنی نسخه ۲۴۷۲ که به خط

مرحوم عبرت است و به حواشی عالمانه مرحوم ملک الشعراء بهار نیز متحلی است، این

بیت به همین صورت، یعنی با ترکیب بیدگون به جای نیلگون در مصراع اول ضبط شده

است. می‌دانیم که این قصیده در چهارمقاله نظامی عروضی نیز آمده است. به روایت

زیرنویس‌های آن کتاب، یکی از نسخ خطی دیوان فرخی که متعلق به مرحوم استاد

فرزوانفر بوده است و متن قصیده داغگاه در چهارمقاله با آن دست‌نویس نیز مقابله شده

بوده است، مصراع اول مطلع این قصیده بدین صورت آمده بوده است که: "تا پرند

نیلگون بر روی پوشد مرغزار" (نظامی عروضی، ۱۳۸۵: ۶۰ زیرنویس ۳).

به عبارت دیگر در نسخه ملکی مرحوم استاد فروزانفر متن بیت اول قصیده داغگاه فرخی

به جای اینکه با لغت چون شروع شود با حرف تا آغاز می‌شده است.

با توجه به این نکات، بنده تصور می‌کنم که بیت اول قصیده را می‌توان بدین نحو

بازسازی کرد که:

تا پرند بیدگون بر روی پوشد مرغزار پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار ...

علت اینکه بنده صورت پیشنهادی فوق را از ضبطی که در اکثریت قریب به اتفاق

دست‌نویس‌ها و چاپ‌های دیوان آمده است، صحیح‌تر می‌دانیم این است که هرگاه بیتی

در نسخ گوناگون یک متن منظوم ضبط‌های گوناگون داشته باشد باید این ضبط‌ها را

دسته‌بندی کرد و پس از حذف ضبط‌هایی که معلول تبدیلات ساده رسم‌الخطی هستند،

این سؤالات را مطرح کرد که ۱. از این ضبط‌های گوناگون کدام ضبط دشوارتر و

احتمال تبدیلیش به ضبط‌های دیگر بیشتر است؟ ۲. از نظر سیاق کلام کدام ضبط

معقول‌تر اما درعین حال دارای تعقید بیشتری است؟ به عبارت دیگر چون می‌دانیم که کاتبان معمولاً به دلیل بدفهمی یا احیاناً میل به ساده‌نویسی، ضبط‌های مشکل را به ضبط‌های ساده تبدیل می‌کنند، باید احتمال داد که از نسخه‌بدل‌های موجود برای یک کلمه یا عبارت، آنکه تعقید و دشواری بیشتری دارد، یعنی آن ضبطی که زبان یا حالت دستوری‌اش در جمله قدیم‌تر و پیچیده‌تر است، صحیح‌تر است. این را در علم تصحیح "قاعده ضبط دشوارتر" می‌گویند و در شیوه تصحیح فرنگی از آن با عبارت لاتین "Difficilior lectio potior" یا "Lectio difficilior praeferenda est" که هر دو تقریباً به معنی "ضبط صحیح‌تر / مرجح است" هستند، تعبیر می‌کنند. تکرار می‌کنم، علت صحت قاعده "برتری ضبط دشوارتر بر ضبط‌های آسان‌تر" این است که کاتبان کلمات ساده و به قول خودمان "راستاحسینی" را به واژه‌های دشوار و دور از ذهن تبدیل نمی‌کنند بلکه همیشه تمایل به ساده‌سازی و آسان‌کاری دارند.

در این بین چنان‌که گفتیم اولاً اقدم نسخ، که در مورد این بیت همان متن ترجمان‌البلاغه است، و یک نسخه خطی دیگر به جای نیلگون در مصراع یکم کلمه بیدگون را آورده‌اند. به نظر بنده در این بیت واژه بیدگون قدری از نیلگون دشوارتر، دور از ذهن‌تر، و درعین حال صحیح‌تر است. شاعر می‌گوید در فصل بهار، مرغزار به سبب دمیدن سبزه‌های بهاری، پرنده سبزرنگ (بیدگون) بر روی می‌کشد. چون سرسبز شدن دشت و راغ در بهاران تناسبی با رنگ آبی کلمه نیلگون ندارد، بنده همان بیدگون را صحیح می‌دانم که با نص کهنسال‌تر کتاب رادویانی و نیز با متن یکی از نسخ خطی دیوان فرخی تأیید می‌شود. اما باید در نظر داشت که در تصحیح متن همین که بگویم به نظر من فلان ضبط بر فلان ضبط دیگر برتری دارد کافی نیست. باید درعین حال نشان داد که ضبط غلط از کجا و اصلاً چرا پدید آمده است. در مورد بیدگون و گشتگی یافتن آن به نیلگون کسانی که با رسم‌الخط نسخ قدیمه فارسی، مخصوصاً

آنهایی که به خط کوفی شرقی، یا کوفی خراسانی که همان رسم الخط کتاب‌الابنیه و ترجمان‌البلاغه است آشنایی دارند، می‌دانند که از نظر رسم الخطی تبدیل بی‌دگون (بیدگون) به نی‌گون (نیلگون) دشوار نیست. برای اینکه خواننده نمونه نارسائی از آنچه بنده در نظر دارد پیش چشم داشته باشد، این دو کلمه را با قلم اندلس در نرم‌افزار مایکروسافت، که نسبتاً به کوفی خراسانی نزدیک است، نوشته‌ام. اگر استدلال فقیر درست باشد، علت تبدیل و تغییری که در واژه بیدگون راه یافته و مصراع یکم را از صورت اصلی خود دور کرده، همین بدخوانی رسم الخط قدیم دست‌نویس‌های اصلی و خراسانی دیوان فرخی تواند بود. حاصل سخن اینکه در این تصحیح، چه رأی بنده مصاب باشد و چه نباشد، از نظر شیوه کار ایرادی بر فقیر وارد نیست زیرا اولاً صورت پیشنهادی بنده صورتی است که در اقدم ضبط‌های موجود این بیت به کار رفته است و از مقوله تصحیحات قیاسی نیست، ثانیاً به نحو معقولی گشتگی‌ای را که در کلمه بیدگون راه یافته است، توجیه می‌کند. و اما آمدیم بر سر کلمه تا که به نظر بنده باید به جای لفظ چون در آغاز این بیت قرار گیرد.

اگر به سیاق کلام در سه بیت اول این قصیده توجه کنید می‌بینید که با به کار بردن حرف چون در آغاز مطلع میان این بیت و بیت سوم نوعی گسیختگی منطقی در کلام پیش می‌آید. به عبارت دیگر، انگار فرخی می‌گوید:

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار پرنیان هفت‌رنگ اندر سر آرد کوهسار
 خاک را چون ناف آهو مشک زاید بی‌قیاس بید را چون پرّ طوطی برگ روید بی‌شمار
 دوش وقت نیم‌شب بوی بهار آورد باد حبّذا باد شمال و خرّمای بوی بهار
 هنگامی که (چون) مرغزار پرند نیلگون بر روی می‌کشد و کوهسار پرنیان هفت‌رنگ
 بر سر می‌آورد و [هنگامی که از] خاک مانند نافه آهو بوی مشک برمی‌آید و از درخت

بید برگ‌های بسیار [سبزرنگی به رنگ] پر طوطی می‌روید، دیشب به هنگام نیمه‌شب باد بوی بهار آورد [و] خوشا باد شمال و خرما بوی بهار.

اما اگر مطابق نصّ نسخه خطی دیوان فرخی که در اختیار استاد فروزانفر بوده است، بیت مطلع قصیده را به جای اینکه با کلمه چون شروع کنیم با حرف تا بیاغازیم، این گسیختگی و اشکال معنوی رفع می‌شود. حرف تا در این بیت همان تای تعلیل است که در ابیاتی مانند:

تا به خاک پای تو سوگند ما باشد درست بر زمین بخرام خوش تا گرد ره گردد عبیر
(سوزنی به نقل از دهخدا)

دیده می‌شود. بنابراین اگر بیت را با حرف تا آغاز کنیم اشکال منطقی سه بیت اول رفع شده، رابطه معقولی میان بیت اول و بیت سوم ایجاد می‌شود:

تا پرنده بیدگون بر روی پوشد مرغزار پرنیان هفت‌رنگ اندر سر آرد کوهسار
خاک را چون ناف آهو مشک زاید بی‌قیاس بید را چون پر طوطی برگ روید بی‌شمار
دوش وقت نیم‌شب بوی بهار آورد باد حبذا باد شمال و خرما بوی بهار
برای اینکه مرغزار پرنده نیلگون بر روی کشد و کوهسار پرنیان هفت‌رنگ بر سر
آورد و [برای اینکه از] خاک مانند نافه آهو بوی مشک برآید و از درخت بید برگ‌های
بسیار [به سبزی] پر طوطیان برروید، دیشب به هنگام نیمه‌شب باد بوی بهار آورد [پس]
خوشا باد شمال و خرما بوی بهار.

باز در این مورد هم تأکید می‌کنم که حرف تا نیز مانند کلمه بیدگون ساخته و پرداخته ذهن فقیر نیست بلکه در حداقل یک نسخه دیوان موجود و در قیاس با کلمه چون از نظر نحوی در این بیت گزینه دشوارتری را عرضه می‌کند. اما علی‌رغم این دشواری، از نظر معنی و منطق درونی ابیات معقول‌تر و مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

منابع

- رادویانی، محمدبن عمر (۱۳۶۲)، *ترجمان البلاغه*، به تصحیح احمد آتش و انتقاد محمدتقی بهار، چاپ دوم، تهران، اساطیر.
- فرخی (۱۳۶۳)، *دیوان حکیم فرخی سیستانی*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم با تجدیدنظر کامل، تهران، زوآر.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۰)، *مسائل عصر ایلخانان*، چاپ دوم، تهران، آگاه.
- _____ (۱۳۷۲)، *فردوسی و شاهنامه*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نظامی عروضی، احمدبن عمر بن علی (۱۳۸۵)، *چهار مقاله*، طبق نسخه‌ای که به سعی و اهتمام و تصحیح مرحوم محمد قزوینی به سال ۱۳۲۷ ق در قاهره چاپ شده. به کوشش محمد معین، چاپ سوم، تهران، زوآر.